

## بازهم مصاحبه فوکس آنلاین

### حاضر به سر وعده با خانم الهه بقراط

امیرفیض- حقوقدان

در مصاحبه اعلیحضرت باتلویزیون آقای شهرام همایون مورخ ۲۰۱۲/۰۷/۱۵ ، از بیانات اعلیحضرت ، مراجعه به وکیل و انتخاب طریق حقوقی برای بدست آوردن اصل نوار مصاحبه با فوکس آنلاین ، مستفاد گردید و قرار تحریر بر این شد در صورتی که اصل نوار مصاحبه ارائه شد ، یک نقد تحقیقی بدهکاری این تحریر خواهد بود .

اکنون بدهکاری تحریر <ملاحظات بر مصاحبه فوکس آنلاین>

خانم الهه بقراط از نویسندگان کیهان لندن ، لایحه ای بسیار مفصل در رابطه با مصاحبه فوکس آنلاین نوشته است که میتواند مورد استناد این تحریر قرار گیرد .

اینکه ایشان در رابطه با انتخاب وکیل از طرف اعلیحضرت برای تحصیل نسخه اصلی چه مقام و ماموریتی دارند در نوشته ایشان دیده نمیشود ولی عباراتی از قبیل (من آنچه راموظف بودم درباره قضیه فوکس آنلاین بگویم ، گفتم و اگر مسائل دیگری در این باره پیش بیاید که ارزش دانستن داشته باشد .... حتما باشما در میان خواهم گذاشت) این باور را به انسان میدهد که دخالت ایشان ناموجه نیست و لذا این تحریر هم بر مبنای چنین باوری ، بدهکاری خود را میپزدازد و البته اگر غیبی در این پرداخت بود جبران آن هم باز بر عهده تحریر خواهد بود .

**حاشیه** - موظف بودن که به معنای وظیفه دار بودن مستمر است معنای دیگری هم دارد که آن مستمری بگیری از دولت و پادشاه است . پایان

### فال نیک

اگر چنین باشد ، یعنی لایحه خانم الهه بقراط با تصمیم دبیرخانه در رابطه با جنجال فوکس آنلاین مربوط و در وظیفه خانم بقراط قرار گرفته باشد ، فال نیک است که لااقل دبیرخانه بعد از سی سال یک نماینده قلمی دارد که بتوان مسائل را با او در میان گذاشت

### نخست از جریان وکیل کشی

لایحه خانم بقراط گویاست که در نخستین تبدیل لوایح بین وکلای اعلیحضرت و وکلای فوکس آنلاین ، وکلای فوکس آنلاین خواستار سند و مدرک شده اند . خانم بقراط که ظاهرا در کنار دبیرخانه در این جریان قرار دارند ، از پاسخ وکلای فوکس ناراضی و اظهار داشته اند که ، <سند و مدرک اگر هنوز وجود داشته باشد ، در دست خود فوکس آنلاین است> و بعد هم اضافه کرده اند ، یعنی در حقیقت به وکلای فوکس آنلاین پاسخ داده اند که متن مصاحبه های سابق اعلیحضرت دلیل است (یعنی همان ادعای نادرستی که دبیرخانه در بیانیه خود مطرح کرد) .

خانم بقراط در ادعای خودشان یک نکته مهم! راهم متقابلا از وکلای فوکس آلمان سوال کرده اند که از نظر حقوقی میتوان آنرا ادعای تازه دانست و آن این است که <فوکس آنلاین باید توضیح بدهد که چرا رضایپهلوی را «سیروس رضایپهلوی» معرفی کرده است و این نام را از کجا آورده است>

## بدهکاری تحریر

همانطور که اشاره اعلیحضرت در مصاحبه باتلویزیون شهرام همایون گویاست، خواسته دعوا وکلای اعلیحضرت، مطالبه اصل نوار مصاحبه بوده است که فوکس آنلاین با اعلیحضرت انجام داده است بنابراین، مستند چنین دعوائی فقط مطالبه نوار مصاحبه است و دلیل آنهم خود مصاحبه است نه محتوای مصاحبه که دبیرخانه و خانم بقراط به مصاحبه های سابق اعلیحضرت استناد کرده اند. اگر دعوا به ادعای جعل و تحریف مصاحبه بود موضوع دیگری بود که با امکان ضعیف، میشد، به پاسخ دبیرخانه و یا مراجع به مصاحبه های دیگر استناد کرد ولی وقتی خواسته دعوا مطالبه اصل نوار مصاحبه است، خود مصاحبه و انتشار آن از طرف فوکس آنلاین دلیل وجود نوار درید مصاحبه کننده است.

وقتی نوار مصاحبه بدست آمد آنوقت میتوان ادعای تحریف و یا نقص ترجمه و مسائل وابسته را مطرح کرد.

در تحریر قبلی خطاب به دبیرخانه این اشاره رفت <در حالیکه دبیرخانه اصل نوار را ندارد چگونه مدعی تحریف شده است؟!>

چنین بنظر میرسد که همان ادعای ناموجه و غیر اصولی که دبیرخانه در بیانیه مطرح کرده در لایحه علیه فوکس آنلاین هم عنوان کرده که با چنان جوابی از سوی وکلای طرف مواجه شده است.

بنده با بضاعت علمی ناقصی که در امر قضا دارم تصور نمیکنم که وکلای اعلیحضرت که معلوم نیست چند نفر هستند به چنین ناشی گری مبادرت کرده باشند، مستند دعوائی مطالبه نسخه مصاحبه، انجام مصاحبه است، که فارغ از نیاز به اثبات است، ولی مستند تحریف و یا سوء استفاده از مصاحبه ارائه نوار اصل مصاحبه است که دبیرخانه فاقد آن است بنابراین اول میبایستی مطالبه اصل نوار بشود و بعد که نوار بدست آمد دعوی ماهوی طرح گردد.

**حاشیه** - در قانون آئین دادرسی ایران مشروطه، در چنین مواردی دادگاه - خواننده را ملزم به ارائه سند میسازد و یا کارشناسی برای نسخه برداری از سند در صورتی که انتقال آن به دادگاه ممکن نباشد مانند دفاتر تجاری و امثال آن اعزام میدارد. این اصل کلی در تمام آئین های دادرسی کشورها با مختصری تغییر وجود دارد.

## اما ادعای مهم ایشان

ادعای تازه و مهم خانم بقراط از وکلای فوکس آنلاین این است که <عنوان سیروس> را از کجا برای رضاپهلوی آورده و علت آن چیست؟

طرح چنین ادعائی از طرف خواهان و در اینجا خانم بقراط از نظر حقوقی به این معناست که خواسته وکلای اعلیحضرت مطالبه اصل نوار مصاحبه نبوده است زیرا اگر چنان خواسته ای مطرح شده بود، ادعای تازه مبنی بر اینکه نام کوروش چرا و به چه دلیل ضم رضاپهلوی شده است وارد دعوا نمیشد زیرا ادعای مزبور با دعوائی مطالبه اصل نوار، همخوانی ندارد.

بنابراین باید دعوی تحریف و نادرستی ترجمه مطرح شده باشد که در همان ردیف خواسته یعنی ادعای تحریف، موضوع ضم کوروش (سیروس) راهم به خواسته اضافه کرده اند.

سابقه مطبوعاتی خانم بقراط و قدری هم سابقه حضور در مبارزه قلمی، اجازه چنین ادعائی را به ایشان نمیداد آنهم ادعائی که بعنوان مهم در حدی که مسئله تحریف را تحت الشعاع قرار داده است.

## برای استحضار ایشان

۱- در سال ۲۰۱۰ مجله اشپیگل آلمان در شماره ۳۰ مارس مصاحبه ای با اعلیحضرت داشت که مصاحبه کننده سوال کرد که شما را چه بنامم - اعلیحضرت - عالیجناب - شاهزاده - کوروش رضاپهلوی و یا آقای رضاپهلوی که قرار بود به جانشینی پدر بر تخت طاوس بنشینید چگونه باید خطاب قرار گیرید؟

اعلیحضرت فرمودند این عناوین برای من هیچگونه اهمیتی ندارد - عنوان برای من فرقی نمیکند مهم اندیشه و مضمونی است که برای آینده سرزمین مطرح میکنم.

پاسخ اعلیحضرت به اشپیگل آلمان جوازی است که هرکس از جمله فوکوس آنلین بهرنامی از عناوین بالا که یکی از آنها همان «سیروس رضاپهلوی» است میتواند اعلیحضرت را خطاب کند.

سایت بالاترین هم پس از مصاحبه اشپیگل نوشت «اشپیگل رضاپهلوی را شاهزاده کوروش رضاپهلوی خطاب کرد»

از آنجاکه خانم بقراط در لایحه خودشان از تماس با مجله اشپیگل آلمان، صحبت و به موردی اشاره کرده اند که اشپیگل ناچار به عذرخواهی از ایشان شد و از آنجا که فوکوس آنلین هم یک واحد مطبوعاتی و رسانه ای آلمان است بنابراین موضوع میتواند هم برای خانم بقراط و هم وکلای فوکوس آنلین جالب باشد.

۲- در زندگینامه فرح پهلوی [شهبانو] که بسیار دقیق و مستند تهیه شده و از کیفیت آشنایی ایشان با شاهنشاه و فعالیت های اجتماعی و بسیاری مراتب دیگر از جمله چگونگی تخصیص عنوان شهبانو بجای ملکه باعکس های تاریخی و دلنشین یاد کرده در باب فرزندان علیاحضرت با ذکر تاریخ تولد نوشته است:

<ده ماه پس از ازدواج علیاحضرت فرح پهلوی ولیعهد ایران بانام والاحضرت کوروش رضا پهلوی به دنیا آمد>

در سالهای مبارزه خبرنگاری از علیاحضرت سوال کرد؛ آیا نام رضاپهلوی، کوروش رضاپهلوی است؟

علیاحضرت فرمودند «شناسنامه ایشان بنام رضاپهلوی است»

علیاحضرت نه تخلص نام کوروش را به رضاپهلوی تکذیب کردند و نه آنرا محکوم و غیر واقع دانستند و این بدان معنی است که نام شرعی و قانونی اعلیحضرت رضا ست و نام انتصابی ایشان کوروش رضا ست و به عبارت دیگر کوروش نام دوم ایشان است چنانکه بیشتر ایرانیان یک نام اسلامی داشتند و یک نام ایرانی و تاریخی.

۳- در ماجرای رای من کجاست، از سوی سازمانی بنام «سبز شاهنشاهی» اعلامیه ای منتشر شد با تصویر اعلیحضرت و شهید آریامهر و در بالای تصویر شاه نوشته شده بود «رای من اینجاست» و بعد در ذیل همان تصویر نوشته بود «اگر مردم در ایران رژیم شاهنشاهی را انتخاب کنند کوروش رضاپهلوی شاه ایران هست»

۴- یک سازمان سلطنت طلب دیگر در سال ۲۰۱۰ بنام «سبز برانداز» اعلامیه ای منتشر کرد و نوشت «اگر ما سبزی سبز برانداز هستیم» و بعد پیام نوروزی سال ۱۳۸۹ اعلیحضرت را با عنوان شاهزاده سیروس رضاپهلوی منتشر ساخت.

۵- در سالهای نخست مبارزه که سازمان های سلطنت و فعالیت و نشریات آنها عملاً حاکم بر مبارزه بود عنوان اعلیحضرت کوروش رضاشاه دوم معمول و جاری بوده است، و آن زمان، زمانی بود که هیچ ایرانی خارج از کشور اعلیحضرت را به نام رضا پهلوی و شاهزاده خطاب نمیکرد یا دامن باشد که انتخاب نام های تحقیر آمیز برای اعلیحضرت بوسیله جبهه نجات امینی و بختیار بگریان افتاد.

تصور میکنم که همین نمونه ها و شهود برای رفع سوء تفاهم خانم بقراط کافی باشد و بهتر است برویم دنبال بقیه بدهی تحریر قبلی.

### کمی مثل حسین شریعتمداری

همانطور که معمول حسین شریعتمداری است که براحتی سلطنت طلبان را مشیرومشاره حرکت اتهامی میسازد خانم الهه بقراط هم سلطنت طلبان را متهم کرده که به فوکوس آنلین خط داده اند که از نام کوروش رضاپهلوی استفاده کند. نظریه اهمیت موضوع بهتر است عین عبارت از لایحه ایشان آورده شود:

«برای نمونه نام سیروس را که در ترجمه فارسی اصلاً حذف شده، از کجا آورده؟ آیا خبرنگارش میدانست که برخی از طرفداران رضایه‌لوی که عمدتاً در حلقه افراطیون جای می‌گیرند، معلوم نیست به چه دلیل وی را سیروس می‌خوانند؟ از کجا به او خط داده اند؟ چه کسانی؟ آیا خبرنگار مزبور فکر کرده باین نام که بهرحال از یک جایی باید از آن باخبر شده باشد، ابتکار را بخرج داده است.....»

**حاشیه-** با اعلام خانم بقراط به اینکه در متن فارسی عنوان کوروش حذف شده است، میتوان گفت که جاعل و تحریف کننده دبیرخانه هم هست.

### برای استحضار خانم بقراط

افراط به معنای زیادی از حد است، هر چیزی را که قانون و یا شرع حدی برای آن تعیین کرده است شامل افراط نمیشود. زیاده روی در احکام شرع تعبیر به بدعت و گناه و در نهایت به ارتداد ختم میشود و زیاده روی و افراط در قانون هم تعبیر به متجاوز به قانون شناخته میشود. افراط و افراطی به افراد و اموری اطلاق میشود که حد آن دست خود آدم باشد مانند خوردن، عشق‌بازی و امثال آنها.

نظریه اینکه فلسفه سیاسی سلطنت طلبان قانون اساسی و متمم آن است لذا صیغه افراطی متوجه آنان نمیشود، البته برای امثال حسین شریعتداری و کسانی که بهرمناسبتی میخواهند نیشی به سلطنت طلبان بزنند امری عادی است.

### خانم بقراط و ترجمه

ایشان ترجمه مصاحبه فوکس آنلاین را که کار خودشان معرفی کرده اند را ارائه داده اند.

بنده متوجه نشدم در حالیکه جریان گویای آن است که اصل نوار را تاکنون فوکس آنلاین تحویل نداده و کارت‌حویل آن به وکیل دادگاه کشیده شده است، چگونه خانم بقراط، آنرا ترجمه کرده اند؟

خانم بقراط ترجمه خودشان را ترجمه «موبه مو» معرفی کرده اند که البته مقصودشان همان ترجمه تحت الفظی و یا لغت به لغت است که چنین ترجمه ای معمول ترجمه کتاب و مصاحبه و مقالات و غیره نیست، زیرا چنین ترجمه ای بمناسبت اختلافات دستوری در زبان ها، مطلوب شایسته ای به خواننده و یا شنونده نمیدهد. بیشتر مفسرین اسلامی قرآن، ترجمه تحت الفظی قرآن را گناه میدانند مکارم شیرازی آنرا خیانت به قرآن گرفته است.

ترجمه تحت الفظی و بقول خانم «موبه مو» در ترجمه اسناد حقوقی دادگاه های حقوقی - قراردادهای حقوقی مورد اختلاف و قرارداد های بین کشورها معمول است که دادگاه باتوجه به معانی واژه ها به قصد و انشاء طرفین قرارداد و قوف حاصل کند، بهمین دلیل است که برای اجتناب تعارضات در ترجمه قرارداد های بین کشورها نوشته میشود که در صورت اختلاف متنی که به فلان زبان > زبان یکی از طرفین قرارداد< نوشته شده ملاک است.

در مقابل ترجمه تحت الفظی، ترجمه معمول و متداولی هست که متوجه «انتقال مفهوم بیان به عامه در عبارت و زبان آشنای آنهاست». اینکه گفته میشود مترجم باید رعایت امانت را بنماید مقصود همان حفظ مفهوم است نه معنای واژه ها.

نظریه اینکه واژه ها در زبان ها بامعانی مختلف ولی متجانس همراه است مترجم به سلیقه خود واژه ای را برای انتقال مفهوم انتخاب میکند. به این دلیل است که انتظار تطبیق ترجمه مصاحبه ها با اصل آن انتظاری ناموجه است.

بنا بر اظهار خانم بقراط عدم رعایت دستور زبان آلمانی در متن آلمانی مصاحبه، از اسباب تحریف و نادرستی مصاحبه شده و نوشته اند «وجه شرطی برخی جملات در ترجمه آن دقت لازم صورت نگرفته است» خوشبختانه بزرگواری فرموده و برای اینکه به امثال بنده کمی درد درک «وجه شرطی» کرده باشند، نمونه ای آورده اند (برای نمونه رضایه‌لوی در پاسخ فوکس آنلاین نمیگوید «پدرم بر این باور بود که باید ابتدا به مردم تاحدی آموزش بدهد تا امکان پذیر بشود»

بلکه میگوید «پدرم براین باور بود که نخست باید حدی آموزش را در اختیار مردم قرار دهد تا بتوان دموکراسی را تحقق بخشید»

بعد خانم توضیح داده اند «در ترجمه یک فعل کمکی و وجه شرطی نادیده گرفته شده است و فعل غلطی که در جمله وجود ندارد یعنی آموزش دادن به فاعل نسبت داده شده است».

از کمکی که خانم برای تفهیم موضوع فرمودند بنده متشکرم ولی باتوضیحی که دادند بیشتر گیج و خنگ شدم و اساساً نفهمیدم که مسئله متوجه امتحان دستور زبان است و یا دریافت های سیاسی و عقلانی از یک مصاحبه. قرانت خوانندگان این تحریر از نمونه ای که خانم ارائه داده اند این تحریر را بی نیاز از توضیح میسازد.

## از ف تافر حزاد

اهل بیان و عقیده آنچنان نسبت به مسائل عقیدتی حساسیت دارند که باشنیدن حتی یک واژه تاچه رسد به عبارتی، کاملاً درک میکنند که گوینده چه عقیده دینی و یاسیاسی دارد و کاملاً حدس میزنند که به کدام فرقه و دسته سیاسی متصل است مگر آنقدر، طرف مانند بنده خنگ باشد که خانم بقراط تصور کنند که باتزریق دستور زبان آلمانی درک مقصود میشود.<sup>۱</sup>

نوشته ها و بیشتر صحبت فارسی از سبک «مصطلح» استفاده میکند نه رعایت دستور زبان و این سیره که چندان مطلوب هم نیست بسرعت در جریان حرکت است اینروزها نوشته هائی از ایرانیان داخل کشور دیده میشود که خواندنش هم برای بسیاری از مامشکل است. سبک مصطلح دستور زبان هارابه بایگانی تاریخ فرستاده است.

برای استحضار سرکار خانم عرض میشود شاهنشاه آریامهر چندین نوبت از رابطه آزادی های سیاسی با آموزش و پرورش مردم ایران و حتی مسائل رفاهی بیاناتی داشته اند که با آنکه در مفهوم و محتوا یکسان است ولی در عبارات و بکاربردن واژه ها انتظار خانم بقراط، در رعایت دستور زبان ملاحظه نمیشود، فراموش نکنیم که اعلیحضرت رضاشاه دوم هم از قول پدرشان اظهار نظر کرده اند.

## شاه بالقوه نه شاه بالفعل

اظهار نظری از خانم بقراط در لایحه ایشان آمده که بحث پذیر است، نوشته اند:

«رضایهلوی تازنده است» به کمال خانم توجه فرمائید «پادشاه بالقوه قانونی ایران بوده و هست تمام صحبت بر سر بالفعل شدن آن است» و بعد اضافه کرده اند «باتصویب متمم قانون اساسی، قانون اساسی از محتوا تهی گشت ولی امروز قانون اساسی هیچیک از دور ژیم به کار ایران نمیاید. بالقوه بودن پادشاهی قانونی وی نیز یک واقعیت تاریخی است رضایهلوی تازنده است طبق قانون مشروطه پادشاه بالقوه ایران بوده و هست و مسئله تمام بالفعل شدن قانونی این پادشاهی است که وی آرایه اراده مردم و قانون اساسی آینده سپرده است چه عیبی در این برخورد وجود دارد؟»

ادعای ایشان درباره بی اعتبار شدن قانون اساسی بمناسبت تصویب متمم قانون اساسی از آن حرفهای بسیار ناپخته و خام است که دقیقاً ناشی از ادعاهای مکرر بختیار میباشند.

شاید این سوال، یک سوال همگانی باشد؛ اگر ایشان رضاشاه دوم را بالقوه شاه قانونی ایران میدانند چرا در خطاب کردن ایشان سنت و فرهنگ ایرانی و تقریر قانون رار رعایت نمیکنند؟ در کجای قانون و یاسنت مشروطیت ایران تفاوتی بین شاه بالقوه و بالفعل گذاشته شده است؟ این واژه های من در آوردی جعل نسبت به قانون اساسی و متمم آن است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - مرسوم نوشته های از نمونه خانم بقراط و طیف های «کیهان لندن» این است که برای اظهار فضل و بزرگنمایی وارد مقولاتی می شوند که به موضوع ربطی ندارد و فقط برای ابراز خودنمایی در آنجا گنجانده شده است. ح-ک

<sup>۲</sup> - اگر قانون اساسی ۱۹۰۶ پس از وارد شدن متمم آن بی اعتبار انگاشته شود چطور متمم می تواند به قانونی که بی اعتبار شده است متمم باشد؟؟ این مورد هم از آن حرف ها است. اگر قانون اساسی رژیم اسلامی پذیرفته نیست ایرانی بدون قانون اساسی ایرانی قلمداد نمی شود. ح-ک

انطباق سلطنت اعلیحضرت با قانون اساسی که خانم بقراط هم آنرا تایید کرده است یک تعارف نیست یک واقعیت حقوقی است لذا متعلق به آثار میثود و از امر نظری خارج میگردد و در نهایت پذیرای مسائل و بیادعاهائی که خارج از قانون اساسی و متمم آن باشد نیست و آن ادعا هارا در باب تقلب، تحریف و جعل در قانون اساسی قرار میدهد.

خانم سوال کرده اند که چه عیبی دارد که بالفعل شدن سلطنت به اراده مردم واگذار بشود؟ عیبش آنجاست که خلاف اصل سی و هشتم متمم قانون اساسی است یعنی همان قانونی که خانم بقراط به اعتبار آن اعلیحضرت را پادشاه قانونی ایران میدانند، همان قانون ادا اجازه نمیدهد که سلطنت به لاتاری گذاشته شود **شخص اعلیحضرت هم در مصاحبه با پاری ماچ صریحا فرمودند که قانون اساسی تداوم سلطنت را مشروط به همه پرسی نکرده است**، و بعد هم اضافه کردند که ایران یک کشور پادشاهی است و بعد از پدرفرزند بزرگ او جای پدرشاه میشود.

### نصایح خانم بقراط

هشت قسمت از ده قسمت لایحه مفصل ایشان در هدایت ایرانیان به دوری از دروغ و تحریف است و اینکه از حدس و گمان اجتناب کنند و برای نمونه بختیار امثال و چنین نوشته اند:

<یک بار این روش (مقصودشان تحریف است) علیه بختیار بکار رفت و ایران را از بختی که یار آن شده بود محروم کرد > با خواندن این قسمت از لایحه ایشان دانستم که اصلا خانم در باغ تشریف ندارند و هنوز بعد از سی سال و آنهمه مدرک و سند و شاهد نسبت به بختیار و اعمال او ایشان هنوز در کوچه باغهای مبارزه سرگردانند.

سرکار خانم در راستای نصایح از مدیریت خودشان هم در امریه معروف شاهکارهائی ارائه داده اند و اضافه کرده اند که <هر جادیده ام به نظرم تحریف و دروغی در کار است اعتراض کردم > و نمونه ای هم از فردهالیدی آورده اند؛ عملشان قابل تاسی و احترام است ولی این سوال ممکن است برای امثال بنده پیش بیاید که آیا از دروغها و تحریفها و زشت گونیهائی امثال بهرام مشیری که در رابطه با همین مصاحبه فوکس آنلاین علیه اعلیحضرت بکار گرفت آنرا نشنیدید و ندیدید؟ اگر شنیدید و اعتراض کردید مبارکتان باد و اگر نه لاقول در آینده به وعده ای که داده اید عمل کنید!!

کیهان تهران که اعلیحضرت و بعقیده شما پادشاه بالقوه راضا نیم پهلوی میخواند و کوهی از اتهامات سیاسی و غیره را محول ایشان میکند شما و کیهان لندن هستید که باید اعتراض کنید آیا آنرا هم نمی بینید و نمی شنوید؟

سراسر کیهان لندن پوشیده از تحریف و دروغ و کاسبکاری برفع جناح آمریکائی شورش ۵۷ است است آنرا هم نمی بینید؟؟! فقط حساسیت سرکار خانم روی نام کوروش است؟

### نتیجه گیری

مفهوم بیانات اعلیحضرت در مصاحبه فوکس آنلاین کاملا بابیائیه قبول سلطنت و بیانات ایشان در سالهای نخست مبارزه هماهنگی کامل دارد که شرح آن در تحریر قبلی آمده است و چون آن هماهنگی منطبق با قانون اساسی و متمم آن است یعنی متکی بر نص است اظهار نظرهای مغایر بانص در هر زمان که باشد از طرف اعلیحضرت نافذ و معتبر نیست.

مراتبی که در لایحه خانم الهه بقراط در این تحریر به نقد و پاسخ کشیده نشده دلیل بر اصالت آن نمیشد.